

یادی از دانشی مرد سیاست

✘ یونس صمدنژاد آذر
مردم شناس

پاییز سال 1399 مصداق بارز «هردم آید غمی از نو به مبارکبادم» بود. یکی از آن غم‌های سنگین در این فصل سرد، درگذشت مردی از تبار دانشوران بزرگ ایران، دکتر غلامعباس توسلی بود که نه تنها اهالی علوم اجتماعی را در عزای خود نشانند، بلکه سیاست‌پیشگان کشور را از هر تیره و تباری متأثر ساخت. دکتر توسلی جزو نوادر رجال بود که توانسته‌اند کار روشنفکری و سیاست‌ورزی را همپایکنش علمی و دانشگاهی پیش‌برده یکی را فدای آن دیگری نکنند. او که آشکارا متعلق به جریان ریشه دار و قدیمی ملی، مذهبی و عضو فعال و تأثیرگذار نهضت آزادی بود، در طول حیات پربار خود هرگز از پرورش استعداد های جوان و همچنین توسعه دانش جامعه‌شناسی غفلت نورزید؛ چراکه به درستی تشخیص داده بود که ضعف علوم انسانی و اجتماعی چه بر سر روند تفکر در ایران آورده‌است.

✘ شادروان توسلی، که زاده 1314 در رشتخوار بود، مراحل مقدماتی تحصیل را در همین شهر و دوره دبیرستان را در تربیت حیدریه و مشهد به پایان رساند، سپس وارد دانشسرای عالی تهران شد. او همزمان در سه رشته زبان فرانسه، ادبیات و فلسفه قبول شد، اما چون در کنکور زبان و ادبیات فرانسه اول شده بود، مجبور شد در آن رشته مشغول تحصیل شود، اما همزمان با ورود او به این رشته، جایگاه زبان فرانسه متزلزل شد و او نیز مطالعه انگلیسی را در کنار فرانسه آغاز کرد. توسلی در خصوص این که چرا از میان سه رشته ادبیات، زبان فرانسه و فلسفه تحصیل در رشته زبان فرانسه را در دانشگاه انتخاب کرده، گفته بود: من نفر نخست آزمون در رشته زبان فرانسه شدم به همین دلیل ادامه تحصیل در این رشته را برگزیدم. در آن دو رشته دیگر، نفر دوم و سوم شدم به همین دلیل چندان مایل به ادامه تحصیل در این رشته‌ها نبودم. البته علاقه چندانی به یادگیری زبان فرانسه هم نداشتم و بیشتر مایل بودم که ادبیات فارسی بخوانم، چون در آن روزها در ایران، ادامه تحصیل تا مقطع دکتری برای رشته ادبیات فراهم بود.

وی در خصوص علت گرایش به رشته جامعه‌شناسی در پاریس گفته بود: داستان ادامه تحصیل من در رشته جامعه‌شناسی طولانی است. زمانی که

به پاریس مهاجرت کردم نخست مشغول تحصیل در رشته «ادبیات فرانسه» شدم، ولی این رشته چندان ایده‌آل من نبود که بخواهم مدت چهار سال اقامت در پاریس فقط ادبیات فرانسه بخوانم. از این رو، تصمیم گرفتم، تغییر رشته بدهم و در رشته اقتصاد تحصیل کنم. در آن چهار سال نمی‌توانستم هم موفق به اخذ دکتری شوم و هم لیسانس در رشته دیگری را بگیرم. در آن سالها دکتر علی شریعتی هم در پاریس بودند با ایشان و دیگر دوستان که مشورت کردم به این نتیجه رسیدم که در رشته علوم اجتماعی ادامه تحصیل دهم. این رشته بتازگی در دانشگاه‌های پاریس تأسیس شده بود و علاقه‌مندان زیادی داشت. دانشمندان زیادی از دیگر کشورها به پاریس می‌آمدند و در این حوزه سخنرانی می‌کردند. طولی نکشید که من شیفته این رشته شدم؛ این بود که تصمیم گرفتم، غیر از دکتری ادبیات فرانسه یک لیسانس دیگر هم بگیرم؛ بنابراین در پاریس دو رشته را به صورت همزمان خواندم، علوم اجتماعی را در سطح کارشناسی و زبان فرانسه را در سطح دکتری تحصیل کردم.

عنوان رساله اصلی او جامعه سنتی ایران از دید اروپاییان: مقایسه دیدگاه انگلیسی‌ها و فرانسویان» و رساله فرعی «صنایع دستی ایران و جنبه‌های روان‌شناسی اجتماعی آن» بود. توسلی در خصوص علت انتخاب این موضوع گفته است: این انتخاب خود من بود. من برای تحقیق به انگلیس رفتم و در کتابخانه‌های آنجا و بایگانی اسناد تاریخی شروع به یادداشت‌برداری کردم. خیلی از دانشجویان ایرانی به آنجا می‌رفتند و موضوع رساله آن‌ها غالباً در رابطه با ایران بود، اما من موضوعی را انتخاب کردم که مدارکش در اروپا و سندش در ایران بود. برای همین من دو قرن تاریخ قاجار را انتخاب کردم. همه اشخاصی که این رساله را مطالعه کردند، پسندیدند و خوشبختانه این رساله با کمک مالی «مرکز تحقیقات علمی فرانسه» قبل از دفاع من از آن به چاپ رسید. بدین ترتیب توسلی از نخستین ایرانیانی بود که با رایحه دو رساله موفق به دریافت دکتری دولتی از فرانسه شد.

شادروان توسلی در تابستان ۱۳۴۵ به ایران بازگشت و تدریس خود را با سمت استادیاری از سر گرفت. وی علاوه بر تدریس در دانشسرا از همان آغاز ورود، در بخش مطالعات شهری مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران نیز به پژوهش پرداخت. او در مطالعات اقتصادی و جامعه‌شناختی و طرح‌های جامع شهری از جمله طرح جامع تهران که از سوی سازمان برنامه به آن مؤسسه واگذار شده بود، طرح جامع شیراز که با همکاری دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران انجام می‌پذیرفت، و همچنین طرح‌های جامع اراک و همدان و چند شهر دیگر شرکت داشت و به صورت مستقل آن‌ها را سرپرستی و تدوین می‌کرد.

غلامعباس توسلی در آن دوره همچنین سرپرستی طرح ارزشیابی سواد همراه با حرفه را که در اصفهان و دزفول به‌طور آزمایشی از سوی یونسکو و سازمان برنامه، برای ارزیابی و بازسازی در مؤسسه اجرای می‌شد به عهده داشت. نتیجه این پژوهش‌ها و مطالعات علاوه بر گزارش‌های علمی، پیشنهادهایی عملی برای چگونگی توسعه و رشد شهرها در آینده بود.

مرحوم غلامعباس توسلی سپس به درخواست دانشگاه ملی ایران، رشته جامعه‌شناسی را در دانشکده ادبیات آن دانشگاه پایه‌گذاری و برنامه‌ریزی کرد و به تدریس برخی دروس در آنجا پرداخت. او در سال ۱۳۵۰ از دانشسرای عالی به دانشگاه تهران منتقل شد و یک سال بعد به دانشیاری ارتقا یافت. وی یک سال پس از آن به سمت مدیر گروه جامعه‌شناسی برگزیده شد. در سال ۱۳۶۴ دوباره به عنوان مدیر گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران برگزیده شد و یک سال بعد نیز به سمت ریاست دانشکده منصوب شد. او همچنین در ایجاد دوره دکترای در دانشگاه‌های تهران، تربیت مدرس و دانشگاه آزاد اسلامی نقش بسزایی داشته‌است.

دکتر توسلی پس از انقلاب به مدت کوتاهی به عنوان مشاور در رادیو و تلویزیون فعالیت داشت و سپس به ریاست دانشگاه اصفهان منصوب شد. وی در دوره انقلاب فرهنگی ایران تا زمان بازگشایی دانشگاه‌ها سرپرستی بخش برنامه‌ریزی علوم انسانی را در ستاد انقلاب فرهنگی بر عهده داشت و برنامه‌های این رشته‌ها را نهایی کرده و به تصویب ستاد رساند. او در مصاحبه‌ای با نشریه لوح در فروردین ۱۳۷۸ گفت که ستاد انقلاب فرهنگی نقش تعدیل‌کننده داشت و عمده اخراج‌ها و تبعیدهای اساتیدی که با جریان حاکم هماهنگ نبودند توسط دانشجویان و گروه‌های انقلابی داخل دانشگاه صورت می‌گرفت. توسلی بر این باور است که حتی پس از انحلال ستاد انقلاب فرهنگی هم، شورای عالی انقلاب فرهنگی هرگز نتوانست قدرت اجرایی خاصی در مدیریت دانشگاه‌ها پیدا کند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ۱۳۵۷ خورشیدی توسلی در این مدت ۵۶ فقره برنامه درسی در سطوح کارشناسی و کارشناسی ارشد و دکتری با همکاری استادها ی رشته‌های مختلف تهیه و تنظیم و در بازگشایی دانشگاه مورد استفاده قرار گرفت.

♦ فعالیت‌های پژوهشی

این استاد نامدار در طول دوره‌های خدمت دانشگاهی خود بیش از ۲۰ جلد کتاب درسی و کمک درسی نظری و کاربردی تألیف، ترجمه و منتشر کرد که برخی از آنها چندین بار تجدید چاپ شده و بعضی از آنها

مشمول تشویق و دریافت لوح سپاس شده است، برای نمونه می‌توان به گروه سنجی و پویایی گروهی، نظریه‌های جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی کار و شغل، بینش‌ها و گرایش‌های عمده در جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی شهری، آینده بنیانگذاران جامعه‌شناسی، مبانی جامعه‌شناسی، فلسفه تاریخ از دیدگاه جامعه‌شناسی، روشنفکری و اندیشه دینی، جستارهایی در جامعه‌شناسی معاصر، پایان نظم و جامعه‌شناسی دینی و مشارکت و آسیب‌های از آن اشاره کرد. وی همچنین بیش از ۵۵ مقاله علمی - پژوهشی به زبان‌های فرانسه، انگلیسی و فارسی در مجلات معتبر داخلی و بین‌المللی منتشر کرده است و بیش از ۶۰ سخنرانی در کنفرانس‌های بین‌المللی و داخلی ارائه داده است که علاوه بر این موارد، این جامعه‌شناس برجسته حدود ۴۰ طرح تحقیقاتی را سرپرستی و مدیریت کرده که از آن جمله طرح رابطه مشارکت و آسیب‌های اجتماعی است که در سال ۷۳-۱۳۷۲ طرح برگزیده و نمونه دانشگاه شناخته شد و جایزه دریافت کرد. همچنین وی علاوه بر راهنمایی و مشاوره رساله‌ها دانشجویان، از بنیانگذاران انجمن جامعه‌شناسی ایران بود و هفت سال ریاست این انجمن را نیز به عهده داشت. از دیگر فعالیت‌های علمی و فرهنگی این استاد فرهیخته و همچنین از جمله افتخارات وی می‌توان به انتشار مجله «نامه علوم اجتماعی» پس از ۱۰ سال توقف، عضویت در انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسی دینی، رییس انجمن فرهنگی مطالعات بین‌المللی جوامع فارسی زبان، نماینده شورای پژوهشی و هیأت ممیزه دانشگاه تهران اشاره کرد

خاموشی

سرانجام این جامعه‌شناس و استاد نمونه و کنشگر و متفکر سیاسی با اخلاق، بعد از سال‌ها فعالیت دانشگاهی و علمی در ۲۵ مهر ۱۳۹۹ خورشیدی بر اثر ایست قلبی، دیده از جهان فروبست.

برخی از ویژگی‌های بارز دکتر توسلی

♦ نقش دکتر توسلی در دفاع از جامعه‌شناسی

مرحوم استاد توسلی در سه موقعیت تاریخی در ایران از نهاد علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی دفاع تعیین‌کننده ای کرد. موقعیت اول، در دهه ۵۰ بود که دکتر توسلی در مقام یک استاد مسلمان از رشته جامعه‌شناسی به‌عنوان یکرشته علمی و نه یک گفتمان ایدئولوژیک دفاع کرد و به وادی تفسیر ایدئولوژیک از علم جامعه‌شناسی نیفتاد. دفاع او از جامعه‌شناسی در برابر دو گفتمان دارای هوادار پرشمار (گفتمان مارکسیستی و گفتمان نوسازی در علوم اجتماعی در دهه ۴۰ و ۵۰) قرار داشت. حتی با اینکه او دوست، یار صدیق و همشهری دکتر علی

شریعتی بود ولی مدافع «رویکرد انقلابی» نبود و از حیث تاریخی و جامعه‌شناسی دین به آثار شریعتی توجه داشت.

موقعیت دوم، استاد توسلی پس از انقلاب و در فرایند انقلاب فرهنگی تلاش چشمگیری برای بازگشایی دانشگاه و دفاع از جامعه‌شناسی داشت. در آن زمان علوم اجتماعی و خصوصاً جامعه‌شناسی، به‌عنوان رشته‌های سکولار، غربی و مادی زیر ضرب قرار داشت. در این بزنگاه دکتر سروش به‌عنوان یک متفکر مسلمان و از منظر معرفت‌شناسی از «علمی بودن جامعه‌شناسی» دفاع کرد و دکتر توسلی با زحمات بسیار در برابر اینکه امواج، نهاد علوم اجتماعی دانشگاهی در ایران را از ریشه بکند، مقاومت ثمربخش کرد و در اسرع وقت دروس جامعه‌شناسی را در دانشگاه‌ها با کمیت بیشتر به راه انداخت.

موقعیت سوم، در زمان حمله همه‌جانبه دولت موازی و وزارت علوم دولت احمدی‌نژاد بود که نه فقط علوم اجتماعی بلکه علوم انسانی را از طریق ابزار بوروکراسی دولتی (موج بازنشستگی از بالا) موردحمله قرار می‌داد. او با اینکه در این دوره کمی بیمار شده بود، در دفاع از علوم انسانی در حوزه عمومی دست از تلاش برنداشت. این در حالی بود که بعضی از دانشجویان تازه به دوران رسیده او در آن دوره او را با اینکه استاد مسلم جامعه‌شناسی بود، به‌سوی بازنشستگی هل دادند و حتی مترصد بودند که اتا‌قش را در دانشکده از او بگیرند و متأسفانه به او ادای احترام نکردند. از خصایص خوب اخلاقی ایشان این بود که نامرادی‌های این تازه به دوران رسیده‌ها را می‌دید و عزتمندانه از کنار آن می‌گذشت؛ و تمام سعی و همتش را صرف بقا و تداوم جامعه‌شناسی و پژوهشگری اجتماعی نمود و بی شک جامعه‌شناسی ایران و بالندگی آن میراث ارجمند استاد فقید دکتر توسلی می‌باشد.

♦ تواضع علمی

از مهم‌ترین ویژگی‌های علمی درخور توجه استاد تواضع معرفتی و علمی ایشان می‌باشد. با اینکه نزد استادان بزرگ جامعه‌شناسی فرانسه ژرژ گورویچ، آلن تورن و ریمون آرون درس‌خوانده بود، در ساحت بحث علمی دعاوی بزرگ نداشت و قبل از باران سیل جاری نمی‌کرد و جو گیر مدعیات بزرگ دیگران هم نمی‌شد. به نام افراد بزرگ حرف‌های خود را به مخاطب القا نمی‌کرد؛ به سؤالات و نظرات دانشجو احترام می‌گذاشت و خوب گوش می‌داد و مختصر و مربوط پاسخ می‌داد. در کار آموزش دروس خسته نمی‌شد و برای تدریس حتی به شهرستان‌ها سفر می‌کرد. حتی آخرین بار در ۱۳۹۷ در اوج بیماری با ویلچر خود را به سومین نشست آسیب‌شناسی انجمن‌های جامعه‌شناسی رساند.

♦ حضور همزمان و مستمر در سه حوزه

او در ۵۰ سال گذشته در سه حوزه «دانشگاه»، «عرصه عمومی» و «عرصه سیاسی» حضور فعال داشت و مدام تلاش می‌کرد. در دانشگاه ۵۰ سال کنار دانشجویان بود و برای پاسخ به سؤالاتشان همواره در دسترس بود. در «حوزه عمومی» صدها بار حضور رسانه‌ای داشت. او مؤسس انجمن جامعه‌شناسی بود و شاگردانش از جمله مرحوم قانعی راد، این انجمن را به اولین انجمن علمی ایران، از حیث فعالیت‌های جامعه‌شناسانه ارتقا دادند. او در حوزه سیاسی مخالف رژیم موروئی و همراه انقلاب مردم در سال ۵۷ بود و از یاران بازرگان و نهضت آزادی ایران بود و در این راه ۵۰ سال در مواضعش استوار بود و به نرخ روز موضع عوض نمی‌کرد، ایشان در مسیر خود همواره ثابت و استوار و با صداقت بود. مناعت طبع و حفظ ارزش خود

دکتر توسلی با اینکه از معتبرترین دانشگاه فرانسه (و با تسلط به دو زبان) فارغ‌التحصیل شده بود و همزمان استاد دانشگاه تهران و از یاران نزدیک شریعتی و بازرگان بود، در فعالیت سیاسی معیار داشت و به هر دری نمی‌زد. او کافی بود در حوزه عمومی رسماً از نهضت آزادی فاصله بگیرد و درهای پست‌های بالا در حاکمیت بر رویش باز شود ولی چنین نکرد؛ و در مقابل، تمام اعتبار خود را صرف دفاع از نهاد علوم اجتماعی و حضور انتقادی در حوزه عمومی کرد. در تاریخ معاصر ایران معمولاً دولت‌ها دنبال کنترل جامعه مدنی ایران بودند و حتی آن را مرعوب کرده‌اند، ولی یکی از دلایلی که در این راه کاملاً موفق نشده‌اند حضور ایرانیانی همچون غلام عباس توسلی است.

♦ دکتر توسلی و عشق به ایران

جامع‌[ایران هنوز از فقدان تحلیل‌های عمیق جامعه‌شناختی در موضوعات مختلف تهی و در رنج است و بازار کلی‌گویی‌های بدون ضابطه و کم‌مایه به‌جای بررسی‌های علمی، جدی و مشکل‌گشا به‌منظور کسب مراتب تحصیلی و منزلت‌های سیاسی و علمی - اداری رونق یافته است. دکتر توسلی دوران تحصیلات تکمیلی خود را در دانشگاه سوربن فرانسه به انجام رسانده است و با اندیشه‌های بزرگانی مانند فرانتس فانون، ژان پل سارتر، ریمون آرون، لویی ماسینیون، لانگه، برگ و کارل ریموند پوپر از نزدیک آشنا بود. او توانست رویکرد دانشگاهی و آکادمیک خود را نسبت به تحولات فکری دو دهه آخر قرن بیستم نگه دارد و مقام دانشجویی و معلمی و روحیه انتقادی خود را به گرایش «ایسم‌های مختلف» و رایج آن روزگار به‌ویژه تفکرات مارکسیستی حفظ کند. برخلاف عمدتاً جامعه‌شناسان ایرانی که گرایش‌های سوسیالیستی داشتند، هم‌اندیشی با نهضت آزادی ایران و همراهی با مرحوم مهندس مهدی بازرگان در بعد

از انقلاب اسلامی موجب شد تا دکتر توسلی بیشتر با گرایشهای آزادی‌خواهی و لیبرالیست‌های مسلمان شناخته شود. ولی به خاطر حفظ جامعه‌شناسی و تداوم مشی علمی و پژوهشی هرگز مواضع و گرایش سیاسی خود را در محیط دانشگاهی و کار، کلاس درس یا همایشهای علمی بروز نداد. دکتر توسلی از یکسو مانند ریمون آرون حوزه‌های مختلف جامعه‌شناسی را اعم از نظریه‌های جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی آموزشی‌پروورش، جامعه‌شناسی دین، جامعه‌شناسی کار و شغل و دیگر موضوعات مورد توجه قرارداد و با ارائه و تحلیل و نقد آنها در طول عمر دانشگاهی خود به تربیت هزاران دانشجو در مقاطع تحصیلی کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه تهران، دانشگاه تربیت مدرس و دانشگاه آزاد اسلامی پرداخت و با انتشار ده‌ها کتاب، مجله، مقالات علمی و شرکت در همایشهای تخصصی در نهادینه کردن علوم اجتماعی و توسعه جامعه‌شناسی به مردم ایران خدمت کرد. از سوی دیگر او که مسئله اصلی ایران را فقدان بینش جامعه‌شناختی در تحلیل مشکلات کشور می‌دانست، با وجود همه امکاناتی که برای مهاجرت به خارج داشت، با پایمردی در ایران ماند و تلاش کرد تا با استقرار دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه‌های مهم کشور کمبود مدرسان این رشته را برطرف کند و با تأسیس «انجمن جامعه‌شناسی ایران» به تشکیل «اجتماع علمی» و نهادینه کردن رویکرد جامعه‌شناسی در تحلیل مسائل کشور کمک کند. راه دشوار معلمی و آزادی‌خواهی برای او کم‌هزینه نبود و در مسیر اعتلای علوم انسانی و تربیت نسل جوان و کنشگری سیاسی مشقات و نامهربانی‌های بسیاری را تحمل کرد و در سال‌های اخیر نیز با همان تن رنجور به محض دعوت در هر همایش و مراسمی که برای توسعه علم و پیشرفت ایران بود، شرکت می‌کرد او مصداق بارز یک استاد دلسوز و عاشق واقعی ایران عزیز است.

♦ دکتر توسلی استادی خستگی‌ناپذیر

بسیاری از استادان امروز جامعه‌شناسی از محضر دکتر توسلی و یا آثار ایشان بهره برده‌اند. وی در این حوزه از سه منظر آموزشی، مدیریتی و پژوهشی حضوری فعال و جدی داشته‌اند. دکتر توسلی از سال ۱۳۵۰ وارد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران شده و از همان زمان سمت‌های مختلفی چون ریاست دانشکده علوم اجتماعی، مدیر گروه جامعه‌شناسی و انجمن جامعه‌شناسی ایران را بر عهده گرفته و نقش مدیریتی دکتر توسلی در حوزه علوم اجتماعی نیز قابل‌اعتناست و در بیرون از دانشکده علوم اجتماعی نیز نقش مؤثری در ستاد انقلاب فرهنگی ایفا کرده است. دکتر توسلی در عرصه‌ها و شاخه‌های مختلف جامعه‌شناسی صاحب اثر است که از آن جمله می‌توان به حوزه‌های

جامعه‌شناسی آموزش‌وپرورش، جامعه‌شناسی شهری، جامعه‌شناسی دینی و... اشاره کرد. همچنین او یک استاد و پژوهشگر خستگی‌ناپذیر است که همواره دغدغه حوزه علوم اجتماعی را دارد و آثار و کارهای ایشان نشان‌دهنده این نگرانی اوست. دانشجویان و همکارانش نیز به نوعی اندیشه و آثار او را واکاوی کرده‌اند که آن‌هم نشان‌دهنده تأثیر توسلی در حوزه علوم اجتماعی است. در واقع می‌توان گفت که دکتر توسلی در عرصه مدیریت و آموزش و پژوهش و تحقیق و تألیف در عرصه جامعه‌شناسی سر از پا نشناخته و تاپای جان تلاش نموده است.

♦ دکتر توسلی و عقلانیت

توسلی بعد از انقلاب اسلامی چراغ جامعه‌شناسی را برای نگاه به مسائل جامعه برافروخت، توسلی و همکاران او در ایران پیروز شدند. اگر امروز حساسیت نسبت به مسائل وجود دارد و کسی نمی‌تواند مانع از اندیشیدن جامعه‌شناختی به مسائل شود ماحصل نتایج امثال دکتر توسلی است، ایشان عقلانیتی را که ایدئولوژی به‌هم‌ریخته بود به جامعه بازگرداند. توسلی موفق شد همه را گرد درس جامعه‌شناسی بنشانند. توسلی هم به‌سان سی‌رایت میلز یک بینش و رسالت جامعه‌شناختی برای خودش قائل بود. پیوند نظر و عمل باهم و نقش دانشمند داشتن و به انباشت علمی افزودن همه میراثی است که از اساتید بزرگی چون توسلی به ما رسیده است، باید گفت توسلی شریعتی نیست هرچند که برشانه شریعتی می‌ایستد؛ توسلی عقلانیتی را که ایدئولوژی به‌هم‌ریخته بود به جامعه برگرداند با خلق گفتمان‌ها و پارادایم‌های جدید در حوزه‌های مختلف، عقلانیت را به جامعه بازگرداند.

منابع:

روزنامه شرق مورخه ۲۹/۷/۹۹

مقاله دکتر حمیدرضا جلایی پور در روزنامه شرق ۲۹/۷/۹۹

مطالب آیین بزرگداشت دکتر توسلی در مورخه ۱۷/۱۲/۹۵ پایگاه خبری قانون در همان تاریخ